

# یغما

شماره مسلسل ۱۲۵

سال یازدهم

آذرماه ۱۳۳۷

شماره نهم

استاد مینوی

## تحقیقاتی درباره کلیات سعدی

مدیر دانشمند مجله یغما

در شماره هشتم سال یازدهم مجله بحث از دو بیت گلستان سعدی شده است و در معنی آنها تحقیق کرده اند. وجه حلّ قطعاً همانست که جناب آقای فرزانه متعناالله بطول بقائه بیان فرموده اند و بنده نیز قبلاً بیکی دو تن از دوستان که پرسیده بودند همین جواب را (منتهی البته نه با چنین توضیح و تشریح شافی) عرض کرده بودم. مع هذا بخیالم این هم رسیده بود که شاید اصل شعر « شیر ناخورده طفل دانه هنوز » بوده است و تصحیف شده است؛ اما این تصور را نسخ تأیید نمی کند و فقط در بیتی از طبیبات سعدی در غزل: روز بر آمد بلند ای پسر هوشمند الخ بیتی هست که شاید مؤید این قراءت باشد، و بیت اینست:

طفل گیا شیر خورد شاخ نوان گوببال ابر بهاری گریست طرف چمن گو بخند  
شیر خوردن طفل دانه و طفل گیا روشنت، اما گیاه و دانه را بدون سابقه « طفل دایه » خواندن در نظر اولی بعید می نماید. با وجود این، چنانکه عرض شد، نسخ

همگی «طفل دایه» دارد، و یکی از نسخ بسیار قدیم که مورد استفاده مرحوم فروغی نشده است یعنی نسخه کتابخانه سرچستر بیٹی (Sir Chester Beatty) در ایرلند نیز «طفل دایه» دارد. و برای این قراءت هم مؤیدی از خارج یافته‌ام، و آن شمریست از انوری در وصف باغی (ص ۷۸ چاپ تبریز):

رستنی‌هاش چون نبات بهشت      فارغ از گردش خزان و بهار  
يك دم از طفل بالغش خالی      دایه شیر را نبوده کنار (۹)



در ذیل این عرایض اگر چند کلمه ای در باره نسخه کتابخانه چستر بیٹی سابق الذکر بیاورم خالی از فایده نخواهد بود چه ممکنست کسانی باشند که بخواهند در تصحیح گلستان بلکه کلیات سعدی از آن استفاده کنند.

این نسخه که بنشان P 109 تمیز داده میشود مر کب از اوراقی است که بخط پنج کاتب مختلف در ازمنه متفاوت از حدود ۶۹۰ تا ۱۲۵۰ هجری کتابت شده است. کاتب اولی و دومی گویا هم‌عصر بوده و کتاب را با هم باشتراك نوشته اند که بعضی اقسام و اوراق را یکی و برخی را دیگری کتابت می کرده، و ظاهراً از معاصرین شیخ بوده‌اند و نسخه را (که تاریخ نداشته) شاید اندکی پس از وفات شیخ بیابان رسانیده باشند. در آخر خاتمه قصاید عربی و فارسی کسی عدد ۷۲۰ اضافه کرده که شك در جعلی بودن آن نیست، و محتمل است که این تاریخ تاریخ اضافات و الحاقات متعددی باشد که بخط کاتب سومی کتابت شده است. تاریخ جمع قصاید در يك مجموع از دعای «زید قدره» پس از اسم نورالدین ابن الصیاد (یکی از ممدوحین شیخ) معلوم می شود. مقدمه علی بن احمد بن ابی بکر الشهبز به بیستون (ترتیب اول در ۷۲۶ یا ۷۲۷، و ترتیب دوم هشت سال بعد در ۷۳۴) بهیچ وجه با اوراق این مجموعه نمی سازد و بخط کاتب چهارمی پس از ۱۲۰۰ اضافه شده است.

اینک تقسیم اوراق بر حسب خط کتاب مختلف:

کاتب اول: ۲۵ پ تا ۳۱، ۸۶ پ تا ۱۰۵، ۱۷۰ تا ۱۹۴، ۱۹۸ تا ۲۳۸ (ب)

تعمیر و اصلاحات بخط کاتب سوم: ۲۴۰ تا ۲۵۰، ۲۶۴ تا ۲۸۱.

کاتب دّوم: ۷ تا ۱۷ ، ۲۵ ، ۳۲ تا ۵۵ ، ۵۷ تا ۸۶ ر ، ۱۰۶ تا ۱۶۹ ، ۲۵۱ تا ۲۶۳ ، ۲۸۲ تا ۲۸۸ .

کاتب سوّم: ۳ و ۵ و ۶ ، ۱۹۵ تا ۱۹۷ ، ۲۸۹ و ۲۹۰ ( ختم کتاب ) .

کاتب چهارم: ۱ و ۲ ، ۵۶ ، ۲۳۹ .

کاتب پنجم: ۴ ، ۱۸ تا ۲۴ .

تذهیب اوائل کتب اگر همعهد با کتابت قسمت اقدم کلیّات باشد پس احتمال اینکه نسخه در حیات شیخ کتابت شده باشد قدری بعید میشود ، چونکه در این تذهیبها دعای قدس الله روحه درعنوان گلستان و کتابالصاحبیه ، ودعای نورالله قبره درعنوان طیبیات ، و دعای رحمهالله در عنوان قصاید درحق شیخ بکار رفته است . ولی احتمال این را نیز میتوان داد که بعد از کتابت اصل در عصر شیخ ، در حدود ۷۲۰ تا ۷۳۰ کاتبی که کتاب را تکمیل و مقابله و تصحیح کرده است ، این تذهیبها را افزوده باشد . اسم شیخرا درتذهیب اول طیبیات مشرفالدین مصلح نوشته اند . کتاب صاحبیه این کلیّات با آنچه در چاپ مرحوم فروغی آمده است نمی سازد ، چه رساله مفصلی است بنظم و نشر در قوانین سیاست و بصورت نصایحی جهت مملکتداری که شیخ برای شمس الدین جوینی صاحب دیوان تألیف کرده ، ودراین نسخه دعای طابالله ثراه در حق او ( که قتلش در ۶۸۳ بود ) بکار رفته است . محتاج بگفتن نیست که در غزلیّات ( بدایع و طیبیات ) و در قصاید بهیچ وجه ترتیب الفبائی برحسب قوافی اشعار رعایت نشده است بلکه بهمان ترتیبی که خود شیخ آنها را جمع آوری کرده بوده ( شاید برحسب تاریخ سرودن آنها که ای کاش در چاپ مرحوم فروغی رعایت شده بود<sup>(۱)</sup> ) کتابت شده است . غزلیّات قدیم و خوانیم را این نسخه ندارد .

نکته بسیار مهمی که از این نسخه بربنده معلوم گردید ( و بعدها از دیدن نسخ دیگر گلستان تأیید شد ) اینکه در اولین تحریر گلستان ( در ۶۵۶ ) بعضی از عبارات و فصول و حکایات موجود نبوده است و نسخی که از روی آن تحریر اولی

۱ - در نسخه ای که این بنده تنظیم کرده ام و هنوز بچاپ نرسیده ، رعایت این نکات دقیقاً شده است . برای اطلاع اجالی رجوع شود بمقدمه غزلیّات سمدی چاپ مرحوم فروغی س ۱۰ . ( یغمائی )

منتشر شده ( مثل همین نسخه چستریبتی و نسخه‌ای در کتابخانه بورسه در ترکیه که از برای دانشگاه عکس آن گرفته شد ) این فصول را ندارد : از آن جمله است مدح وزیر ابوبکر بن ابی نصر ( ص ۹ چاپ مرحوم فروغی : دیگر عروس فکر من .... دشمن دوست ) و بعضی فصول دیگر که اینها را در این نسخه چستریبتی در حدود ۷۳۰ در حواشی الحاق کرده‌اند . اگر پس از ختم تحریر اولی در ۶۵۶ بعضی مطالب بر گلستان افزوده باشد احتمال قوی میتوان داد که برخی از کلمات و جمل را نیز تغییر داده باشد ، و بنابراین اختلافاتی که در نسخ دیده می‌شود مسلم نیست که همه از تصرف عمده یاسهوی کتاب و نسخا باشد . تاریخ ۶۵۶ را برای تحریر اول کتاب خود سعدی فرموده است و از آن گذشته اگر « اول اردیبهشت ماه جلالی » درست باشد شکی نمی‌توان داشت که لااقل دو ماه پس از قتل مستعصم خلیفه تمام شده است ، و مؤید این نکته است دوبیت عربی لقد سعدالدنیا به دام سعده الخ که از قصیده عربی خود شیخ است در مرثیه قتل مستعصم و خراب بغداد . و این منافات ندارد با اینکه از يك طرف بسیاری از حکایتهارا مدت‌ها قبل از این تاریخ روی کاغذ آورده بوده باشد و آنها را در این تاریخ بصورت این کتاب موسوم بگلستان « فراهم آورده » باشد ، و از جانب دیگر اشعاری در آن کتاب درج کرده باشد که متعلق بغزلهای مندرجه در کتاب طیبیات باشد که در ۶۵۸ تدوین و بصورت کتاب مستقلی جمع آوری شده است ، چه این غزلها را هم سالهای سال بوده است که می‌گفته تاسپس بصورت کتابی ( قبل از تدوین کتاب غزل بدایع ) در آورده است .

کتاب و رسائلی که بالفعل در این مجموعه کلیات سعدی هست از این قرار است : رساله اول در تقریر دیباچه ، مجلس اول تا مجلس پنجم ، رساله سؤال صاحب دیوان ، رساله در عقل و عشق ، رساله در نصیحت ملوک ، رساله در سه رساله ( سه حکایت ) ، کتاب گلستان ، کتاب طیبیات ، کتاب بدایع ، کتاب قصاید ، کتاب بوستان ، کتاب الصحبیه ، کتاب ترجیع ، فی المرائی ، مجلس الهزل ، کتاب خمیثات ، کتاب المقطعات .



نسخه‌های بالنسبه قدیم و خوب دیگر از کلیات در فرانسه و انگلستان هست

که در ایران مورد استفاده نشده است، از آن جمله است نسخه‌ای بنشان Supp. pers 1796 در کتابخانه ملی پاریس که در حدود ۶۷۰ هجری تحریر شده است (بلو شه در فهرست نسخ آنجا، ج ۳ شماره ۱۳۸۱) ولی اوراق گلستان آن را از میان کتاب در آورده‌اند؛ و Supp. 816 مورخ ۷۸۶ در همان کتابخانه؛ و Supp. 869 گلستان در ۵۷ ورق مورخ ۷۳۰ (۱) (بلو شه ج ۳ شماره ۱۴۰۰)؛ و نسخه کلمات در بریتیش میوزیوم بنشان Or. 10908 مورخ ۸۵۹؛ و باز نسخه بنشان Or. 9567 مورخ ۸۶۸.



کلمات سعدی چاپ مرحوم فروغی در چهار مجلد در حد خود بهترین چاپ موجود کلمات است ولیکن هنوز بسیار کار در این باب باید کرد تا بتوان نسخه تمام و کمالی از حیث صحت نزدیک با آنچه شیخ نوشته بوده است بوجود آورد.



چند کلمه هم در باب نسخه‌ای که مأخذ جناب آقای میرزا عبدالعظیم خان قریب گر کانی در چاپ گلستان بوده است بد نیست گفته شود:

آن نسخه را قریب ۳۲ سال پیش ازین در دست مرحوم میر محمد علی میرخانی ادیب‌السادات از اعضای اداره تندنویسی مجلس دیدم که در دستمالی ابریشمی پیچیده و آورده بود بکتابخانه مجلس شورای ملی بفروشد و می گفت تعلق بدستگاه حاجی امین‌الضرب دارد. با آنکه میخواست بیانزده تومان بفروشد نه مرحوم اعتصامی مدیر کتابخانه آن را خرید و نه بنده طالب شدم چونکه آثار جعل و تزویر بر سر پای آن لایح بود. نسخه بخط شکسته نستعلیق عهد قاجاریه و بر روی کاغذ رقعہ روسی متعلق بدوران ناصرالدین شاه نوشته شده و مع هذا «خط استاد جهان میرعماد» خوانده است. کاتب گوید «فقیر بی بضاعت این نسخه شریف را از خط حضرت شیخ نقل نمود و مقابله کرد در اواسط شهر محرم الحرام سنه احدى و عشرين و الف» و خاتمه‌ای که بگفته این کاتب بخط شیخ بر آخر نسخه منقول عنها دیده میشده است این بوده که: «تم

۱ - این نسخه را مرحوم علامه قزوینی برای خود عکس برداری کرده بود و بامانت بر مرحوم فروغی داده بود. در تطبیق متن گلستان از آن استفاده تمام شده است. (یضامی)

الکتاب بحمدالله عزوجل وهی النسخة الاولة بخط المصنف عفا الله تعالى عنه يوم السبت في العشر الاخير من محرم سنة اثنتين وستين وستماية يوم فتح شيراز وانتقال الملك من آل سلفر الی غیر هم ... » و احق نفهمیده بوده است که اگر کتاب در ۶۵۶ تألیف شده است و تمام شده است چرا باید « النسخة الاولة ! » بخط مصنف در ۶۶۲ کتابت شده باشد . مع هذا بنده از روی نسخه چند یادداشتی کردم ، از آن جمله يك بيت شیرازی که در آخرین حکایت از باب ضعف و پیری آمده است :

« ... پس او را که جوان باشد با من دوستی چه صورت بندد ، شیرازی :

پیر هفتائله جونى میکند عشق مفرى نخیه بونی چشم روشت ، پارسی : زور باید نه زر که بانورا الخ . مبلغی از اختلافاتی را که این نسخه با نسخه های دیگر داشت وقطعات و ابیات اضافی آن را نقل کرده ام که هنوز دارم . یکی از آن قطعات اینست :

#### لطيفة المنظوم

شنیده ام که حکیمی بُدست در بغداد	که در نجوم نظیرش کسی ندارد یاد
وقوف یافته بر سیر هفت سیاره	بعلم رمل و طلسمات حافظ و استاد
ستاده بود سطرلاب رفع کرده که شمس	بر اوج رفت کتون زهره در حضيض افتاد
مگر که زهره زنی بود و شمس شاگردی	بسوی خانه شده شمس . . . . .
چو اتصال و قرانات بود در حجره	چگونه او خبر از آسمان هفتم داد
غرض بهزل مرا نیست این سخن گفتن	که جاهلی شنود خندد و شود دلشاد
غرض ازین که خردمند را یقین گردد	که علم غیب بهیچ آفریده حق بنداد

و قطعه ای دیگر اینست :

#### حکایت

دوش دیدم بخواب سید را	راستی را کز ائت آزر دست
گفتم ای نور دیده عالم	گل رخسارت از چه پثر مردست
گفت من زین خطیب می رنجم	رونق وحی ایزدی بر دست
آنچه در منبر او همی خواند	جبرئیل آن بمن نیاوردست

اینجا دسترس بچاپ جناب آقای استاد قریب ندارم تا نگاه کرده ببینم اینهارا

ایشان چاپ کرده اند یا نه - اولی را که گمان نمی‌کنم چاپ کرده باشند، ولی شعر شیرازی را یادم هست که در چاپ ایشان دیدم. ممکنست این ابیات واقعاً از سعدی هم باشد و خود او بر تخریر اولی کتاب افزوده باشد و نسخه‌های بدست کاتبی افتاده باشد که این اضافات را داشته‌است. ولی آنچه مسلمست اینکه این نسخه‌های که جناب آقای کرکائی دارند و مبنای چاپ خود قرار داده‌اند نه خط عماد حسنی معاصر شاه عباس است و نه از روی «نسخه اوله» خط مصنف کتابت شده بوده است و از هیچ حیث امتیازی ندارد که اساس تحقیق درباره متن گلستان قرار داده شود. مادام که چاپ بهتری از گلستان نشده است همان چاپ مرحوم فروغی بهترین چاپهاست (۱) و بابودن آن به این یکی مراجعه کردن و ازان نقل کردن دلیل عدم قوه تشخیص است. البته این عرض بنده راجع به سؤال و جواب مطرح شده در مجله یغما که مربوط یکی از حواشی جناب آقای قریبست نیست.

آنقره - ۲۴ آذرماه ۱۳۳۷

مجتبی مینوی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱- نمی‌دانم چاپ آقای یغمائی را باید چاپ مستقلی محسوب داشت یا نسخه تانی چاپ مرحوم فروغی. (م)  
- بنده نسخه لردگرینوی را که قدیمتر از تمام نسخه‌هاست یعنی در سال ۷۲۰ کتابت شده بی‌هیچگونه تصرف و توضیح به چاپ رساندم و آن نسخه ایست مستقل و معتبر. (یغمائی)